فصل هشتم : حوادث پس از کربلا

اوضاع طرفداران ائمه (1) پس ازعاشورا (2)و حادثه حره (3) و شهادت مختار با ااختناق شدید و ترس و تردید و یاس و متفرق شدن مسلمین همراه بود ، امکان حرکت جمعی و تشکیلاتی وجود نداشت . ارتد الناس بعد الحسین الا ثلاثه البته سپس مردم ملحق شدند و زیاد شدند

منظور از تشکیلات پنهانی شیعه رابطه های اعتقادی که با آن ، مردم به یکدیگر متصل می شوند مثلا خاندان پیامبر در کوفه ساکن است کاغذی که به سنگ بسته شده به آنجا پرتاب میشود که نوشته است اگر صدای تکبیر شنیدید در همین جا کشته خواهید شد و الا نه

عبدالله بن عفیف ازدی در همان ورود اسرا به کوفه شهید می شود ( او با شنیدن سخن عبیدالله بن زیاد بر اشفت و برخواست و پاسخ او را داد فلذا او را گرفتند و شهید کردند )

صاحب کتاب جهاد الشیعه با اینکه غیر شیعی است به تشکیلات داشتن شیعه قائل شده است

واقعه حره در 63 هجری از این قرار است که حاکم کم تجربه مدینه عده ای از بزرگان شیعه را برای انس با یزید به به مسافرتِ شام و دیدار یزید فرستاد یزید هم از انها پذیرایی کرد به انها هدایای 50 هزار درهمی و 100 هزار درهمی داد انها وقتی به مدینه بازگشتند چون مفاسد اخلاقی جنسی و میمون بازی و .... یزید را دیده بودند برای مردم شرح دادند به جای تعریف از او انتقاد کردند عبدالله بن حنظله پیشاپیش مردم علیه یزید قیام کرد یزید با شنیدن ماجرا مسلم بن عقبه سردار پیرِ سپاه خود را به سوی مدینه فرستاد او هم او مدینه را محاصره و کشتار بی نظیری کرد که مردم نام او را مسرف بن عقبه گذاشتند عبدالله بن حنظله هم شهید شد حره بزرگتیرین واقعه برای ارعاب پیروان اهل بیت بود

انحطاطی در بین مردم پیش آمد بنی امیه در بین مردم جا انداخته بودند که خلیفه حتی از رسول الله هم بالاتر است و یا برای غنا و خواننده می فرستادند تا از مکه و مدینه بیاورند که از بدترین شعرا بودند یا عایشه بنت طلحه مشغول طواف بود به مردی که به او علاقه مند بود پیغام داد اذان را با تاخیر بگوید او نیز اذان عصر را با تاخیر گفت وقتی از او پرسیدند چرا ،گفت اگر تا فردا صبح هم طوافش طول می کشید اذان نمی گفتم تا طوافش تمام شود